



The Anti-Ethical Consequences of Superstitions from the Perspective of Persian Poets (A Case Study of the Evil Eye)

S. Azizpour Ph.D.

Department of Persian Language and Literature, Yasuj University, Yasuj, Iran.

Abstract

Background: Superstitious beliefs have cultural roots and are present in the lives of all people to a greater or lesser extent, and no logical basis can be imagined for them. These beliefs generally arise from ignorance and are in fact an inevitable attempt to influence the future in order to influence the course of events and incidents to make things pleasant. One example of such superstitious beliefs is the concept of the evil eye, the eye of perfection, or in popular parlance, looking at things. This concept is an immoral and hateful act that can destroy the life of a person or persons and has been present in people's beliefs in various forms since ancient times. This article examines the anti-ethical consequences of this superstition, especially from the perspective of Persian literature and poets such as Saadi.

Conclusion: The concept of the evil eye is one of the common superstitions in the country. Which has appeared in the poems of Persian poets of the classical era. Some, such as Saadi and Attar, consider the belief in this superstition to be far from reason and consider it to be due to ignorance. However, some great Persian poets have directly and indirectly referred to it. Of course, this cannot be considered as acceptance of this superstition by these poets because this concept has taken root in popular culture and is sometimes used as a term by non-believers. Persian poets from the Constitutional period onwards, have engaged in social criticism of the concept of superstition in general and considered the rooting of superstitions in society to be the cause of the backwardness of Iranian society. By summarizing the views raised in literature, it can be said that three anti-moral consequences of superstition in literature can be proposed: preventing progress, weakening morality, spiritual beliefs and aversion to religion, and loss of life and money.

Keywords: Ethics, Superstition, Evil Eye, Persian Poets

***Corresponding Author:** S. Azizpour Ph.D., Department of Persian Language and Literature, Yasuj University, Yasuj, Iran. Email: azizpoorsaeed40@gmail.com

How to cite: Azizpour S. The Anti-Ethical Consequences of Superstitions from the Perspective of Persian Poets (A Case Study of the Evil Eye). Ethics in Science and Technology. 2025,20(08): 39-45.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

پیامدهای ضد اخلاقی خرافات از دیدگاه شاعران پارسی (بررسی موردی چشم زخم)

دکتر سعید عزیزپور

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸)

چکیده

زمینه: باورهای خرافی ریشه فرهنگی داشته و در زندگی همه افراد کم و بیش وجود دارد و بنیادهای منطقی نمی توان برای آن متصور بود. این باورها عموماً از نا آگاهی ناشی می شود و در واقع نوعی تلاش ناگزیر برای نفوذ به آینده است تا در مسیر وقایع و حوادث برای خوشایندسازی بر امور تأثیر بگذارد. یکی از نمونه های چنین باورهای خرافی مفهوم چشم زخم، عین الکمال یا به اصطلاح عامیانه نظرزدن است. این مفهوم از اعمال غیراخلاقی و نفرت انگیزی است که می تواند زندگی شخص یا اشخاصی را نابود سازد و در اعتقادات و باورهای مردمان به صورت های گوناگون از زمان های گذشته تا کنون مطرح بوده است. در این مقاله به بررسی پیامدهای ضد اخلاقی این خرافه به ویژه از دیدگاه ادبیات و شاعران پارسی چون سعدی پرداخته شده است.

نتیجه گیری: مفهوم چشم زخم یکی از خرافه های رایج در کشور است. که در اشعار شاعران پارسی زبان دوران کلاسیک نمود داشته است. برخی چون سعدی و عطار اعتقاد به این خرافه را دور از عقل دانسته و آن را ناشی از نادانی می دانند. اما برخی شاعران بزرگ زبان فارسی اشاره مستقیم و غیر مستقیم به آن دارند. البته این امر را نمی توان به عنوان پذیرش این خرافه از سوی این شعرا قلمداد کرد چرا که این مفهوم از آن جهت که در فرهنگ عامه ریشه کرده است گاه به صورت یک اصطلاح توسط افراد غیرباورمند به آن نیز به کار می رود. شاعران پارسی زبان از دوره مشروطه به بعد، به نقد اجتماعی مفهوم خرافات به طور کلی پرداختند و ریشه دواندن خرافات در میان جامعه را عامل عقب ماندگی جامعه ایرانی، می دانستند. با جمع بندی دیدگاه های مطرح شده در ادبیات می توان گفت سه پیامد ضد اخلاقی خرافه گرایی در ادبیات قابل طرح است: ممانعت از پیشرفت، تضعیف اخلاق، باورهای معنوی و دین گریزی و ضررهای جانی و مالی.

کلیدواژه‌گان: اخلاق، خرافات، چشم زخم، شاعران پارسی

سرآغاز

خرافات^۱ جمع واژه عربی **خرافه** به معنی اعتقاد غیرمنطقی و ثابت نشده به تأثیر امور ماورای طبیعت در امور طبیعی و به عبارت دیگر، هر نوع پندار عجیب برای مردم عوام است یعنی عقاید غیرواقعی. معمولاً خرافات ریشه در گرایش های درونی^۲ یا باطنی در زندگی بشر داشته اند و به مرور تبدیل به خرافه شده اند. آنچه که از نظر اکثر فیلسوفان مورد قبول است، این است که هیچ تعریف مشخص و همه پسندی درباره خرافه وجود ندارد و تعریفی که از خرافه به معنای امر موهوم در ذهن مردم است، بسیار نامشخص و گنگ به نظر می رسد. مردم معمولاً در دو شرایط وقایع را به دلایل ماورا طبیعی نسبت می دهند.

۱. افراد در صورت غیرمحتمل بودن یک واقعه آن را با باورهای خرافی تبیین می کنند. به عبارت دیگر، هرچه حادثه غافلگیر کننده تر باشد، احتمال برانگیختن توضیحی فوق طبیعی نیز بیشتر است. اعتقاد بر این است که انتساب یک واقعه به یک علت خرافی ممکن است به افراد احساس کنترل و توانایی پیش بینی آنچه در محیط آنها رخ می دهد، بدهد.
 ۲. افراد در صورت منفی بودن یا اتفاقی منفی، احتمالاً آن را به علت خرافات نسبت می دهند. به این تعصب نمایندگی منفی گفته می شود.
- یکی از نمونه های چنین باورهای خرافی مفهوم چشم زخم^۳، عین الکمال یا به اصطلاح عامیانه نظرزدن است.

بخشد. اضطراب همراه با انواع وقایعی است که خرافات را آشکار می کند.

خرافه چشم زخم

مسئله چشم زخم زدن، عین الکمال یا همان آسیب رساندن با چشم به عنوان یک پدیده شوم و تجربه گران، نزد عوام از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار بوده است و انسان ها در طول تاریخ با آن دست به گریبان بوده اند. از نظر باورمندان به این خرافه چشم زخم زنده ها غالباً افرادی حسود و تنگ نظر هستند و ناخواسته از چشم خود اشعه هایی می فرستند که از هر نوع لیزر قوی تر است و باعث آسیب یا ویرانی و نابودی شیء یا شخص مورد نظر می گردد!!!! اما باید گفت که چشم زخم یا همان عین الکمال اصلاً وجود خارجی ندارد و ساخته و پرداخته ذهن افرادی است که غالباً برای هر پدیده ای به دنبال عوامل ماورایی هستند.

بازتاب چشم زخم در اشعار شاعران پارسی کلاسیک (دوران اسلامی)

ادبیات ریشه در فرهنگ عامه دارد از این رو گاهی خرافه هایی چون چشم زخم در آثار شاعران بزرگ پارسی دیده می شود. برخی شاعران آن را خرافه ای می دانستند مانند دو حکایت زیر از سعدی و عطار

یکی روستایی سقط شد خورش
علم کرد بر تاک بستان سرش
جهان دیده پیبری بر آن برگذشت
چنین گفت خندان به ناطور دشت
مپندار جان پدر که این حمار
کند دفع چشم بد از گشتزار
که این دفع چوب ار سر و کون خویش
نمی کرد تا ناتوان مُرد و ریش
چه داند طبیب ار کسی رنج بُرد
کُسه بیچاره خواهد خود از رنج مُرد
(۷)

مگر دیوانه ای می شد به راهی
سرخر دید بر پالیزگاهی
بدیشان گفت چون خر شد لگدکوب
چرا این استخوانش بر سرچوب
چنین گفتند ای پرسنده راز
برای آن که دارد چشم بد باز
چو شد دیوانه زان معنی خبردار
بدیشان گفت ای مثنوی جگرخوار
گر آستی که این خر زنده بودی
بسی زین کار خر را خنده بودی
شما را مغز خر داده است ایام
از آن است این سر خر بسته بر دام
نداشت او زنده چوب از کون خود باز
چگونه مُرده دارد چشم بد باز
برو دم درکش و تن زن چه گویی

این مفهوم از اعمال غیراخلاقی^۴ و نفرت انگیزی است که می تواند زندگی شخص یا اشخاصی را نابود سازد و در اعتقادات و باورهای مردمان به صورت های گوناگون از زمان های گذشته تا کنون مطرح بوده است. از این رو در این مقاله محققان به بررسی پیامدهای ضد اخلاقی این خرافه به ویژه از دیدگاه ادبیات و شاعران پارسی چون سعدی پرداخته شده اند (۱-۳).

بنیان های روانشناختی خرافات

نکته جالب در مورد خرافات این است که ما اغلب علیرغم اینکه تا حدودی می دانیم که باورهای خرافی نمی توانند درست باشند اما باز آن را انجام می دهیم.

برخی محققان علوم روانشناختی، از مدل به اصطلاح فرآیند دوگانه شناخت برای توضیح باور ما به خرافات استفاده کرده اند.

انسان ها می توانند هم «سریع» و هم «آهسته» فکر کنند. طرز تفکر اولی سریع و شهودی است، در حالی که دومی عقلانی تر است و وظیفه اصلی آن نادیده گرفتن قضاوت شهودی^۵ هنگام یافتن خطا است.

مدل تفکر دوگانه یک مدل تثبیت شده است، اما در مورد خرافات، پیشنهاد می شود که این مدل باید اصلاح شود. محققان خاطرنشان می کنند که تشخیص خطا به طور خودکار شامل تصحیح خطا نمی شود. به عبارت دیگر، مردم می توانند متوجه شوند که باورشان اشتباه است اما همچنان به آن عمل کنند. مدل «فکر کردن سریع و آهسته» (باید این امکان را فراهم کند که مردم بتوانند - در لحظه - تشخیص دهند که باورشان معنا ندارد، اما با این وجود بر اساس آن عمل کنند. او ادامه می دهد: "مردم می توانند یک خطا را تشخیص دهند، اما تصمیم می گیرند آن را اصلاح نکنند، فرآیندی که از آن به عنوان رضایت یاد می شود". اما خرافات صرفاً جلوه ای از شناخت ناقص ما نیست. گاهی اوقات خرافات فواید زیادی دارند.

گاهی اوقات خرافات می توانند اثر آرام بخش داشته باشند و اضطراب را از ناشناخته ها تسکین دهند و به افراد احساس کنترل بر زندگی خود بدهند. این نیز ممکن است دلیل باقی ماندن خرافات برای مدت طولانی باشد - مردم آنها را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده اند. خرافات ریشه در جوانی گونه انسان دارد، زمانی که اجداد ما قادر به درک نیروها و هوس های دنیای طبیعی نبودند. بقای اجداد ما توسط شکارچیان یا سایر نیروهای طبیعی تهدید می شد. در نتیجه، خرافات برای ایجاد «احساس کاذب کنترل بر شرایط بیرونی» و کاهش اضطراب^۶ «تکامل» یافته اند. همچنین به همین دلیل است که خرافات «در شرایط عدم اعتماد، ناامنی، ترس و تهدید رواج دارند (۴-۶).

علاوه بر این، با کاهش اضطراب، خرافات ممکن است به طور عینی عملکرد را بهبود بخشد. برخی محققان توضیح می دهند: شواهدی وجود دارد که نشان می دهد خرافات مثبت و افزایش دهنده شانس، یک مزیت روانشناختی ارائه می کنند که می تواند عملکرد ماهرانه را بهبود

چو چیزی می ندانی می چه جویی

(۸)

با نگاهی به هر دو شعر، روشن است که در هر دو حکایت سعدی و عطار اعتقاد به این خرافه را دور از عقل دانسته و آن را ناشی از نادانی می دانند. جالب است که در شعر سعدی پیری جهان دیده و در شعر عطار دیوانه (خردمند دیوانه نما) سخن را بیان می نمایند.

اما برخی شاعران بزرگ زبان فارسی بر اساس اندیشه های دینی و باورهای عامیانه، به مناسبت ها و شکل های گوناگون به مسئله چشم زخم اشاره مستقیم و غیر مستقیم دارند. البته این امر را نمی توان به عنوان پذیرش این خرافه از سوی این شعرا قلمداد کرد چرا که این مفهوم از آن جهت که در فرهنگ عامه ریشه کرده است گاه به صورت یک اصطلاح توسط افراد غیرباورمند به آن نیز به کار می رود. مثلاً حافظ می گوید:

حضور خلوت انس است و دوستان جمعد
و آن یکاد بخوانید و در فراز کنید (۹)

هر آن که چشم چو ماهت به چشم بد بیند
بر آتش تو بجز جان او سپند مباد (۹)

خاقانی در این باره می سراید:

رفع عین الکمال چو ننگ
رنگ نیلی که بر رخ قمر است (۱۰)

اما ببینیم حکیم نظامی با این مسئله چگونه برخورد کرده است. وی در خسرو و شیرین آورده است:

مبادا چشم کس بر خوبی خویش
که زخم چشم خوبی را کند ریش (۱۱)
و در لیلی و مجنون چنین سروده است:
چشم که رسید در جمالت
نفرین که داد گوشمال (۱۱)
شد چشم زده بهار باغش
زد باد تپانچه بر چراغش (۱۱)

مولانا در مثنوی به مسئله چشم زخم زدن این گونه می پردازد:

پر طاووس مبین و پای بین
تا که سوءالعین نگشاید کمین
که بلغزد کوه از چشم بدان
یزلقونک از نی برخوان بدان
احمد چون کوه لغزید از نظر
در میان راه بی گل بی مطر
درعجب ماند که این لغزش ز چیست
من نپندارم که این حالت تهی است
تا بیامد آیت و آگاه کرد
کان ز چشم بد رسیدت و نبرد
گر بدی غیر تو در دم لا شدی
صید چشم و سخره ی افنا شدی

لیک آمد عصمتی دامن کشان

وین که لغزیدی بد از بهر نشان (۱۲)

مولانا در جایی دیگر می گوید:

باز خرم گشت مجلس دلفروز

خیز دفع چشم بد اسپند سوز (۱۲)

فردوسی در اشعار خود به این خرافه اشاره داشته است:

چنان گشت ایرش که هر شب سپند

همی سوختندش ز بیم گزند (۱۳)

صائب تبریزی بیان می کند:

جواهر سرمه بینش بود گردی کز او خیزد

خدا از چشم بد صائب صفاهان را نگه دارد (۱۴)

نقد خرافه گرایی در اشعار شاعران پارسی دوران مشروطه

اشعار دوران مشروطه مملو از نقد اجتماعی است. یکی از موضوعاتی که در نقد اجتماعی^۶ جامعه ایران در این دوره مورد توجه شعرای پارسی زبان بود معضل خرافات و جهل و نادانی بود.

برای نمونه ملک شعرای بهار در یکی از اشعار خود از رواج جهل و خرافات در میان عوام شکوه می کند:

از عوام است هر آن بد که رود بر اسلام	داد از دست عوام
کار اسلام ز غوغای عوام است تمام	داد از دست عوام
دل من خون شد در آرزوی فهم درست	ای جگر نوبت توست
جان به لب آمد و نشنید کسم جان کلام	داد از دست عوام
غم دل با که بگویم که دلم خون نکند	غم افزون نکند
سر فرو برد به چاه و غم دل گفت، امام	داد از دست عوام
سخنی پخته نگفتم که گفتند به من	چند این خام سخن
سوختم سوختم از سردی این مردم خام	داد از دست عوام
زانچه پیغمبر گفته است و درو نیست شکی	نپذیرند یکی
وحی منزل شمرند آنچه شنیدند از امام	داد از دست عوام
همگی خفته و آسوده ز نیکی و بدی	خواب مرگ ابدی
چه توان کرد، علی گفت که الناس ینام	داد از دست عوام
در نبوت نگرفتند ره نوح نبی	داد ازین بی ادبی
در خدایی بنمودند به گوساله سلام	داد از دست عوام
به هوای نفسی جمله نمایند قعود	آه از این قوم عنود
به طنین مگسی جمله نمایند قیام	داد از دست عوام
پیش خیل عقلا زابلهی و تیره دلی	شرزه شیرند، ولی
پیش سیر عقلایی، حشراتند و هوام	داد از دست عوام
عقل ار بسمله خواند به هوایش نچمند	همچو غولان برمند
غول اگر قصه کند گرد شوند از در و بام	داد از دست عوام
سنت و شرع کتاب نبوی مانده ز کار	عقل برخاسته زار
جهل بنشسته به سلطانی این خیل لثام	داد از دست عوام
عقل آن به که همه عمر نیارد به زبان	نام این بی ادبان
که دراین قوم نه عقلست و نه ننگست و نه نام	داد از دست عوام
نه براین قوم نماید نفس عیسی کار	نه مقالات بهار
نه نسیم سحری بگذرد از سنگ رخام	داد از دست عوام
پیش جهال ز دانش مسرایید سخن	پند گیرید ز من
که حرام است حرام است حرام است حرام	داد از دست عوام

فروغ فرخزاد نیز به منظور انتقاد از خرافه گرایی هایی که در میان مسلمانان رواج پیدا کرده می گوید :

من خواب دیده ام که کسی می آید/ من خواب یک ستاره ی قرمز دیده ام/ و پلک چشمم می میبرد/ و کفشهایم می جفت میشوند/ و کور شوم/ بگویم اگر دروغ/ من خواب آن ستاره ی قرمز را/ که خواب نبودم دیده ام وقتی/ کسی می آید/ کسی می آید/ کسی دیگر/ کسی بهتر/ کسی که مثل/ هیچکس نیست، مثل پدر نیست، مثل انسی نیست، مثل یحیی نیست، مثل مادر نیست/ و مثل آن کسی است که باید باشد/ و قدش از درختهای خانه ی معمار هم بلندتر است/ و صورتش/ از صورت امام زمان هم روشنتر/ و از برادر سیدجواد هم / رفته است که و رخت پاسبانی پوشیده است نمیترسد/ و از خود سیدجواد هم که تمام اتاقهای منزل ما مال اوست نمیترسد و اسمش آنچنانکه مادر / و در آخر نمازصدایش میکند در اول نماز/ یا قاضی القضاات است/ یا حاجت الحاجات است

پیامدهای ضد اخلاقی خرافات از نگاه ادبیات

با نگاهی به ادبیات و نقدهای صریح برخی شعرا به خرافه گرایی می توان گفت خرافه گرایی پیامدهای ضد اخلاقی بسیار ی در پی دارد که در این جا آنها در سه دسته مورد اشاره قرار می گیرند:

الف) ممانعت از پیشرفت: خرافه گرایی رشد فکری را متوقف می سازد در نتیجه مانع پیشرفت انسان ها می گردد شخص خرافی همواره در دام تخیلات و توهمات بی اساس خود اسیر است باطل در نظر او حق است و حق، باطل به شمار می آید خرافه گرایی سعی و تلاش را از انسان می گیرد و به عبارت دیگر جهان هستی جهانی قانونمند است. همانگونه که عارف قزوینی تاکید می کند که:

سعی جز در پی تکمیل معارف غلط است
ملت جاهل محکوم به اضمحلال است

ب) تضعیف اخلاق، باورهای معنوی^۸ و دین گریزی: چنانچه رفتارهای خرافی در میان افراد جامعه رواج یابد بی شک اخلاقیات تضعیف می شود. برای نمونه زمانیکه انسان بدون هیچ دلیل منطقی یک انسان دیگر را متهم به شور چشمی کند این توهین به کرامت انسانی^۹ وی است و منجر به کاشته شدن تخم کینه و نفاق در دل مردم است. اگر دین الهی و معارف اسلامی^{۱۰} با خرافات درآویخت و حقیقت ثابت دین در زیر ابرهای خرافات پوشیده گردید نقش سازنده دین در تنویر افکار و زندگی مطلوب^{۱۱} و تعالی بشر^{۱۲} از بین می رود و کم کم اصل معارف دین زیر سؤال می رود. وقتی معارف دینی بر پایه خرافات و غیر منطقی باشد پیروان خود را از دست خواهد داد.

ج) ضررهای جانی^{۱۳} و مالی^{۱۴}: بسیاری از خرافات از حد یک سرگرمی و تعلقات دست و پاگیر فراتر رفته و ضررهای مالی و جانی فراوانی دارد. همچون تعصبات قومی^{۱۵}، خرج کردن برای مراسم های خرافی و درگیری ها و اتفاقاتی که در این نوع مراسم ایجاد می شود

عارف قزوینی بزرگ ترین تصنیف سرای دوران مشروطه از دیگر شاعران دوران مشروطه است که به نقد خرافه گرایی پرداخته و بیان می دارد مردمی که گرفتار چنین بلایی هستند سرنوشتی جز اضمحلال و نابودی ندارند :

دل که در سایه مژگان تو فارغ بال است
گو ببین چشم بداندیش چه از دنبال است
داد از یک نگهی داد دل و بستد جان
و چه بد بدرقه چشمت چه خوش استقبال است
صد پسر سام به گیتی اگر آرد تنها
تربیت آنکه ز سیمرغ بگیرد زال است
سعی جز در پی تکمیل معارف غلط است
ملت جاهل محکوم به اضمحلال است
مستقل نیست دو کس در سر یک رأی ولی
سر هر برزن و کو صحبت از استقلال است
تا بداخلاقی و اشرافی فرمانفرماست
تا ابد حالت ایران به همین منوال است
نفس آخر این ملت محکوم به مرگ
در شمار است بدافتاده و بداحوال است
عارف این خانه کند تربیت جند کجا
جای همچون شفق مرغ همایون فال است

فرخی یزدی شاعر لب دوخته دوران مشروطه علت تمامی مشکلات ایران را خرافات و جهل و نادانی می دانست:

زور و فشار و سختی و تهدید و گیر و دار
با این رویه حل مسائل نمی شود
تکفیر و ارتجاع و خرافات و های هوی
از این طریق طی مراحل نمی شود
مجلس مقام مردم ناپاک دل مخواه
کاین جای پاک جای ارادل نمی شود
یک ملک بی عقیده و یک شهر چاپلوس
یارب بلا برای چه نازل نمی شود

نقد خرافه گرایی در اشعار شاعران پارسی دوران نیمایی

از زمان نیما یوشیج که پیشوای شعر آزاد در ایران بود به بعد دوران نیمایی در ادبیات ایران آغاز شد. در این دوران نیز نقد اجتماعی یکی از مولفه های مهم در اشعار شاعران بود. شاعران این دوره نیز به نقد خرافات در اشعار خود پرداختند .

از جمله خود شاملو در اشعار خود به این امر اشاره کرده و آرزو می کند می توانست چشم انسانها را که با خرافات و جهل پوشیده شده باز کند. وی با وجود تألم باطنیش از مردم روزگار، با صمیمیتی زلال هم راه با دلسوزی آشکار و مسؤولانه میسراید:

ای کاش میتوانستم/ یک لحظه میتوانستم، ای کاش/ برشانه های خود بنشانم/ این خلق بیشمار را/ گرد حباب خاک بگردانم/ تا با دو چشم خویش ببینند که خورشیدشان کجاست/ و باورم کنند/ ای کاش/ میتوانستم

همچون سوء استفاده مالی رمالان و فالگیران از حالت روانی مشتریان خود.

نتیجه گیری

خرافات نگرش یا رفتاری است که بر اساس ترس، تهدید، عادت و عوامل ناشناخته ای به ذهن فرد خطور می کند تا بر اساس نگرشش از اتفاقات ناخوشایند جلوگیری کند. این رفتار بر مبنای کنش منطقی و روابط علت و معلولی نیست. اگرچه گسترش سطح سواد و فرهنگ عمومی جامعه منجر به کاهش اعتقاد خرافی می شود؛ اما باید اذعان کرد حتی انسان های مدرن نیز نمی توانند به طور کامل خرافات را رد کنند یا عملاً از آن خلاص شوند. برای نمونه مفهوم چشم زخم یکی از خرافه های رایج در کشور است. که در اشعار شاعران پارسی زبان دوران کلاسیک نمود داشته است. برخی چون سعدی و عطار اعتقاد به این خرافه را دور از عقل دانسته و آن را ناشی از نادانی می دانند. اما برخی شاعران بزرگ زبان فارسی بر اساس اندیشه های دینی و باورهای عامیانه، به مناسبت ها و شکل های گوناگون به مسئله چشم زخم اشاره مستقیم و غیر مستقیم دارند. البته این امر را نمی توان به عنوان پذیرش این خرافه از سوی این شعرا قلمداد کرد چرا که این مفهوم از آن جهت که در فرهنگ عامه ریشه کرده است گاه به صورت یک اصطلاح توسط افراد غیرباورمند به آن نیز به کار می رود.

شاعران پارسی زبان از دوره مشروطه به بعد، به نقد اجتماعی مفهوم خرافات به طور کلی پرداختند و ریشه دواندن خرافات در میان جامعه را عامل عقب ماندگی جامعه ایرانی، می دانستند. با جمع بندی دیدگاه های مطرح شده در ادبیات می توان گفت سه پیامد ضد اخلاقی خرافه

گرایی در ادبیات قابل طرح است: ممانعت از پیشرفت، تضعیف اخلاق، باورهای معنوی و دین گریزی و ضررهای جانی و مالی.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Superstitions	خرافات
2. Intrinsic Tendencies	گرایش های درونی
3. Evil Eye	چشم زخم
4. Immoral Acts	اعمال غیر اخلاقی
5. Intuitive Judgment	قضاوت شهودی
6. Anxiety	اضطراب
7. Social Criticism	نقد اجتماعی
8. Spiritual Beliefs	باورهای معنوی
9. Human Dignity	کرامت انسانی
10. Islamic Knowledge	معارف اسلامی
11. Desired Life	زندگی مطلوب
12. Human Excellence	تعالی بشر
13. Life Loss	ضرر جانی
14. Financial Loss	ضرر مالی
15. Ethnic Prejudices	تعصبات قومی

References

1. Basharpour S, rahimzadegan S. The relationship between superstitious beliefs, information processing styles and sense of agency among people going to fortuneteller. *Social Psychology Research*, 2020; 10(39): 38-23. doi: <https://doi.org/10.22034/spr.2020.227529.1457>
2. servatyari K, Garousi S, Yousefi F. Survey of the frequency of superstition and its related factors among students of Kurdistan University of Medical Sciences in 2013. *SJKU* 2019; 23 (6) :25-36. Doi: [10.52547/sjku.23.6.25](https://doi.org/10.52547/sjku.23.6.25)
3. Safari Shali R, Karimi A, Seyfi M. Investigating the tendency to superstitions and its relationship with human development indicators (Case study: citizens of Karaj). *Social Development & Welfare Planning*, 2023; 14(54): 187-223. doi: <https://doi.org/10.22054/qjssd.2022.66280.2320>
4. Foster KR, Kokko H. The evolution of superstitious and superstition-like behaviour. *Proceedings. Biological sciences*, 2009; 276(1654): 31–37. <https://doi.org/10.1098/rspb.2008.0981>
5. Wiseman R, Watt C. Measuring superstitious belief: why lucky charms matter. *Personality and Individual Differences*, 2004; 37(8): 1533-1541. Doi: <https://doi.org/10.1016/j.paid.2004.02.009>
6. Faizal A. Social and psychological factors for superstition: a brief literature review. *International Journal of Advance Study and Research Work*, 2018; 1(5). Doi: <https://doi.org/10.5281/zenodo.1405381>
7. Saadi M. Complete works of Saadi. Edited by Foroughi. 5th ed. Tehran: Amirkabir Publication. 1986.
8. Attar Neyshaburi. Book of secrets. Edited by Goharin. 1st ed. Tehran: Shargh Publication. 1959.
9. Hafez Shirazi. The divan of Hafez. Edited by Afshar I. 5th ed. Tehran: Amirkabir Publication. 1982.
10. Khaqani. Divan. Edited by Sajadi Z. 1st ed. Tehran: Markaz Publication. 1996.
11. Nizami Ganjavi. Khosrow and Shirin. Edited by Hamidian S. 7th ed. Tehran: Ghatreh Publication. 2006.



12. Rumi. Mathnavi Ma'navi. Edited by Nicholson R. 3rd ed. Tehran: Mohammad Publication. 2005.
13. Ferdowsi. Shahnameh. Edited by Hamidian S. 6th ed. Tehran: Ghatreh Publication. 2005.

14. Saib Tabrizi. Divan Saib Tabrizi. Edited by Iqbal F, Saib M. 4th ed. Tehran: Iqbal Publication. 2013.